

عنوان مقاله:

تبارشناسی هم‌ریخت‌شدن فضاهای آموزشی نوین در ایران عصر قاجاری

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، دوره 15، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسنده:

فاطمه براتلو - استادیار گروه مطالعات توسعه، پژوهشکده مطالعات اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

رهیافت‌های نوین راجع به نسبت قدرت با معماری، به بازاندیشی درباره چگونگی برساخته‌شدن فضاها و سازوکارهای جاری قدرت در آنها انجامیده است. در تاریخ ایران دوره قاجار، شکل‌گیری نظام آموزش نوین هم‌گام با ایجاد و تاسیس فضاها و مکان‌های خاص آموزش بود و در نوع خود، گسستی از آن گذشته تاریخی اش محسوب می‌شد که در آن همواره از فضاهای بسیار متنوع و ناهم‌ریخت برای آموزش استفاده می‌شد؛ از این رو هدف و مسئله مقاله حاضر، تجزیه و تحلیل تبارشناسانه ریخت‌شناسی فضای نوین آموزشی و مناسبات قدرتی است که از طریق معماری، سامان‌دهی و چیدمان عناصر آموزش، کارکرد خاصی به این فضاها نوین بخشیده بود. به این منظور و با الهام از تبارشناسی فوکویی در پی واکاوی زمینه‌ها و دامنه هم‌ریخت‌شدن این مدارس، گزارش‌های مورخانه و اسناد آرشیوی تجزیه و تحلیل و در پایان نتیجه گرفته شد که فهم جدید از انتظام و انضباط امور و هم‌سانی عناصر که پیش‌تر در خواست ارتش متحدالشکل و دولت مقتدر نمود یافته بود، خواسته یا ناخواسته به مهم‌ترین شاخصه فضاهای آموزشی نوینی تبدیل شد که در حال شکل‌گیری بود. به این ترتیب تکنولوژی قدرت انضباطی با حصاربندی، شبکه‌بندی و کارکردی‌کردن فضاها و بهره‌بردن از ردیف، تلاش کرد تا از طریق معماری، چیدمان ذهن و بدن سوژه‌های نظام آموزشی را به صورت همسان تحت نظارت و مراقبت قرار دهد و آنان را برای نظم نوینی آماده کند که در حال شکل‌گیری بود. بعدها سوژه‌ها با ایفای نقش به ابزاری برای پیشبرد برنامه‌ها و اهدافی تبدیل شدند که تا چند نسل پیش‌تر، برای دولت‌مردان و جامعه تصورشدنی نبود.

کلمات کلیدی:

سیاست فرهنگی، مدارس در نظام آموزشی، حصار، شبکه‌بندی، قاجار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1723022>

